

Local historiography is a representation of the past on a local and regional scale

Abstract

Local historiography is a representation of the past on a local and regional scale. Such research is characterized by thematic, temporal, and spatial constraints, and this provides the basis for a detailed look at social history. On the other hand, living in the geographical environment of the research gives local historians the opportunity to study and record all the phenomena that are of interest to them. Sadid al-Saltanah Kababi is one of the local historians of Bushehr who has left important works about the history of Bushehr and the Persian Gulf. In this article, an attempt is made to study the history of Bushehr and the Persian Gulf in the historiography of Sadid al-Saltanah in a descriptive-analytical manner. The findings of the research show that Sadid al-Saltanah, despite being a Qajar statesman, has not limited himself to chronicle writing and reporting for the historiography of this region.

Unlike the law-abiding secretaries and historians of the court of her predecessors and predecessors,

she gave a detailed description and analysis

بوشهر و خلیج فارس در تاریخ نگاری سدید السلطنه

رضا قندهاری زاده^۱
 احمد کامرانی فر^۲
 سهیلا ترابی فارسانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

چکیده

تاریخ نگاری محلی، بازنمایی گذشته در مقیاس محلی و منطقه ای است. ویژگی پژوهش های اینگونه، محدودیت به لحاظ موضوعی، زمانی و مکانی است و این امر زمینه جزئی نگری و پرداختن به تاریخ اجتماعی را فراهم می آورد. از سوی دیگر زیستن در محیط جغرافیایی پژوهش، به مورخین محلی این فرصت را می دهد که بتوانند همه پدیده هایی را که مورد توجهشان است را بررسی کرده و به ثبت و ضبط آن اقدام کنند. سدیدالسلطنه کبابی یکی از تاریخ نگاران محلی بوشهر می باشد که آثار مهمی درباره تاریخ بوشهر و خلیج فارس از خود به جای گذاشته است. در این مقاله سعی بر آن است تا به شیوه توصیفی-تحلیلی، به بررسی تاریخ بوشهر و خلیج فارس در تاریخ نگاری سدیدالسلطنه پرداخته شود. یافته های پژوهش نشان دهنده این موضوع می باشد که سدیدالسلطنه برخلاف اینکه دولتمردی قاجاری بود، برای تاریخ نگاری این منطقه، تنها به وقایع نگاری و گزارش نویسی اکتفا نکرده است. او برخلاف منشیان و تاریخ نویسان حقوق بگیر درباری حکومت های پیشین و سلف خود، به تشریح و توصیف دقیق و تجزیه و تحلیل علمی و نتیجه گیری از این رخدادها نیز دست زده است.

واژگان کلیدی: تاریخ نگاری، بوشهر، خلیج فارس، سدیدالسلطنه کبابی

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، ایران
 rezaghandeharizadeh@gmail.com

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)
 kamranifar43@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
 tfarsani@yahoo.com

چنین گوید نگارنده، محمدعلی پور حاج احمدخان، چون کارگزاران دولت به درجه ای صرف نظر از بنادر و جزایر خلیج فارس کرده که ناحیه وسیعه را گویا خارج از خریطه ایران شمرده و دروازه جنوب ممالک خود را بدون محافظ و مراقب گذاشته و سبب آن همه تغافل، مبادعت این حدود از مرکز به نظر آمد، این است که بر خود واجب یافتم، اطلاعات خود را در اصول آن دیار که خاص ایام مأموریت متعاقبه و اسفار متوالیه در آن نقاط است، و آن ها را نزد خود پریشان داشته‌ام، جمع و لباس تدوین پوشانیده و به نظر اولیاء امور خود رسانیده، شاید اکتباه یابند و بیدار شوند و توجه خود را بدین صوبه معطوف سازند و چون اهمیت بندرعباسی بیشتر از نقاط دیگر بود، ابتدا به نگارش حال آن دیار نمود. من الله توفیق و علیه تکلان. شروع آن در سنه ۱۳۲۴ قمری و در سال سی و چهارم زندگانیم است (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۶۳: ۱).

این زیر متن که دیباچه کتاب ارجمند بندرعباس و خلیج فارس اثر محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی بندرعباسی است، فریاد اعتراض بزرگ مردی درد آشنا بوده که خطاب به سران حکومت نگاشته شده است. او فرزند سرتیپ احمد کبابی است، در سال ۱۲۴۹ شمسی در بغداد متولد شد و در ۱۴ مرداد ۱۳۲۰ پس از سال ها خدمات دولتی در بندرعباس وفات یافت. وی از برجسته‌ترین کارگزاران دولت در جنوب بوده و بارها از سوی مظفرالدین شاه و سایر سران دربار قاجار مورد تقدیر قرار گرفته است:

چون میرزا محمد خان امیر پنجه سدیدالسلطنه در بندرات فارس مشغول جان نثاری و خدمت‌گزاری است، محض پاس حقوق اسلاف او به اعطای یک ثوب پالتو شمسه دار مرصع مه از البسه مخصوص ما است او را مخلع و بین الامائل والاقران سرافراز فرمودیم که زینت بر دوش اعتبار و افتخار خود دانسته که زایدا علی ماسبق ساعی و کوشا باشد. مظفرالدین شاه قاجار، فی شهر ذی القعدة سیچقان ثیل سنه ۱۳۱۸ (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۶۳: ۲۹).

احمد اقتداری، از مورخان دیگر جنوب و خلیج فارس که با شور و علاقه فراوان زحمت تصحیح و تحشیه و انتشار آثار او را به عهده گرفته است در مقدمه کتاب بندرعباس و خلیج فارس می‌نویسد: «برای کسی که اندک تحقیقی در یکی از مسائل خلیج فارس کرده باشد، نام سدیدالسلطنه بندرعباسی ناشناخته نیست... سدید هفتاد و یک سال زندگی خود را در خدمات دیوانی، دولتی و مسافرت‌های تحقیقی و تتبع در مسایل مختلف خلیج فارس به خصوص جغرافیای تاریخی بندرها و جزیره‌های آن به سر آورد» (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۶۳: ۲۱).

سدید، تحصیلات قدیمه خود را نزد سید جواد مجتهد یزدی و شیخ عبدالله امام جمعه بوشهری و میرزا حسین اهرمی و حسین کنگانی، و علوم جدید، از جمله جغرافیا و علم هیأت را از سید جمال الدین اسدآبادی در بوشهر فرا گرفت و مدتی نیز ادیب پیشاوری به آموختن شعر و ادبیات مشغول شد. نام ویژه او در شعر «عاری» و پیش از آن «نهانی» بوده است چنان که خود شوخ‌مندان می‌نویسد:

«عاری» یکی از سه تخلص نگارنده است و آن سه تخلص (نهانی) بعد از این که دیدم تخلص یکی از زنان عالمه است، تغییر داده و «عاری» گذاشته (یعنی برهنه). خوانندگان گمان نکنند که تابستان است و بنده برهنه ام. یقین بدانند که زمستان است و هرگاه آقای میرزا محمدجواد امیر همایون نماینده اول تهران و برادر بزرگترشان جناب آقای محمدرضا که اولین تاجر صادرکننده امتعه ایران هستند و اولاد جناب حاج معین التجار بوشهری باشند، نبودند، در زمستان هم در این اسارت، برهنه بودم. و دیگر «سدید» است که در کم تر شعری به آن تخلص کرده‌ام (همان، ۱۳۶۲: ۴۱).

کبابی به دلیل هشیاری، دانایی و درست کاری و سایر توانمندی های شخصی، در سمت‌های مختلفی مانند فرمان دهی در جنگ و فتح بندرلنگه و طرد محمد بن خلیفه، ریاست تذکره (گذرنامه) خلیج فارس، کفالت و کارگزاری بنادر، کارگزاری دولت روسیه در بندر لنگه، وکالت کنسول گری روسیه در بندرعباس و معاونت حکومت بنادر جنوب و حکومت بندر لنگه را به عهده داشته است. بخشی از آثار بازمانده او که توسط نوه دختریش مهندس هوشنگ ستایش به مرکز اسناد و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران اهداء گردیده است، عبارتند از: ۱- بندرعباس و خلیج فارس (اعلام الناس فی احوال بندرعباس) که جلد اول توسط خود او و جلد اول و دوم آن به کوشش احمد اقتداری منتشر شده است. ۲- مشوش نامه که جنگی از شعر شاعران به ویژه شاعران جنوب فارس است و بخشی از آن به کوشش احمد اقتداری در مجله برر سی کتاب درج گردیده است. ۳- مجموعه النوادر که ان نیز ترجمه و تألیف برخی از مطالب تاریخی و گردآوری شعر شاعران دیگر است که چاپ سنگی آن در هند انتشار یافته است. ۴- مجموعه الظرایف جنگ دیگری از شعر شاعران جنوب (که این اثر نیز در هند منتشر شده است). ۵- مغاص اللئالی و منار اللیالی که تحت عنوان سرزمین های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش، به کوشش احمد اقتداری به چاپ رسیده است. ۶- مفاتیح الادب فی تاریخ العرب که تاریخ پیدایش کشورهای عربی است و قسمتی از آن منتشر شده است. ۷- المناص فی احوال غوض و الغواص (صدید مروارید) که در زمان حیات سدید انتشار یافت. ۸- سفرنامه سدید (التدقیق فی سیرالطریق) که به کوشش احمد اقتداری وارد بازار کتاب گردیده، به علاوه چندین مقاله و رساله که مهم ترین آن ها شامل: ۱- احوال لنگه ۲- اوزان چو ۳- لغات لاری ۴- اصطلاحات کشتی ۵- تجارت خانه های بوشهر ۶- تعلیق بر خوارج و نوشته های پراکنده دیگر می شود. بر اساس گزارش زنده یاد ایرج افشار «مجموعه ای که آقای مهندس ستایش از طرف خاندان سدیدالسلطنه به کتابخانه اهدا فرموده اند، جمعا عبارت است از نود و پنج کتاب و رساله خطی و سه کتاب چاپی از آثار سدید و نود و دو قطعه نقشه های خارجی و ایرانی مربوط به ایران و قطعات فرمان و حکم، ابلاغ حقوق و نشان دولت های خارجی» (همان، ۱۳۶۲: ۲۸).

این گنجینه های علمی، ادبی و تاریخی که علی رغم تلاش بی شائبه احمد اقتداری، هنوز سامانه شایسته ای نیافته و نیازمند ویرایش دیگری اند، نشان می دهد که سدید پژوهشگری بوده که با کنجکاو و تیزبینی، مراقب همه چیز بوده و هر موضوعی را با دقت زیر نظر داشته است و در پاره ای موارد با ذکر آمار و ارقام - اگرچه ناپروورده - آثار تاریخی، مونوگرافی ها و رساله های علمی

خود را شبیه به مطالعات مدرن معاصر نموده به طوری که هر خواننده ای می‌تواند با اطمینان آن را مورد استناد قرار دهد. او هم چون متفکری متجدد و با بینشی انتقادی آثار برجسته خود را خلق نموده است.

مسائل اجتماعی بوشهر و خلیج فارس در نظر سدیدالسلطنه

۱- آداب ازدواج و عروسی

یکی از نخستین مباحثی که سدیدالسلطنه با رویکردی آئین‌شناسی و مطالعه فرهنگ عامه در یادداشت‌های خود آورده، چگونگی مراسم عقد و ازدواج در میان اهالی بوشهر و بادیه نشینان اطراف شهر و آداب و رسوم پیرامونی آن است. او به سان یک مردم‌نگار حرفه‌ای کوشیده تا همه مراسم خواستگاری، عقد و ازدواج را که مشاهده کرده، به طور دقیق و ذکر جزئیات روایت کند.

درباره وقت ازدواج، انتخاب همسر و چگونگی خواستگاری می‌نویسد: «بدایت بلوغ را سال چهارده دانند. چون پسرانشان به چهارده رسند، بدو وجه زفاف را تدارک کرده، سپس دختری را انتخاب کنند و به پدر و مادر و بزرگان خود گویند. چون آرائشان متفق شود، دختر را نزد پدر یا بزرگان دختر خواستگرا شوند. چون درجه قبول یافت، دیگر داماد استمراراً به خانه دختر تردد کند و خدمات پدر دختر انجام دهد و تحف و هدایا به خانه دختر فرستد» (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱: ۲۴).

درباره رسم و رسوم خواستگاری‌ها و کارها و رفتار داماد می‌نویسد: «چون چند صباحی گذرد، یک دست لباس و یک حلقه انگشتری و یک زوج کفش از خانه داماد به خانه دختر ببرند و از آن روز نامزد هم محسوب شوند و گویند: دختر فلان، گوش مهر پسر فلان شده» (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱: ۲۴). همچنین درباره آداب و رسوم عقد اینچنین می‌نویسد: «پس از آن با شیرینی به خانه دختر فرستند، بعد ترتیب مجلس در خانه داماد دهند. شیخ آن نقطه با دوستان داماد دعوت شوند و شیخ مزبور دو نفر از موثقین خود به خانه دختر فرستاده و در حالتی که دختر با آرایش در حجله جالس و دوستان دختر پیرامون آن گرفته، موثقین وارد شده و قریب دختر نشینند و وکالت شیخ و انعقاد عقد را اجازه خواهند، و مرام خود را سه- چهار بار تکرار کنند. سپس به آهنگ نرمی، دختر «بله» گوید و همان بله، اجازه شمرده شود...»

۲- وضعیت بهداشتی

سبک زندگی مردم تا پیش از ورود به مدرنیته به ایران و بندر بوشهر، چنان بود که خانه‌های افراد معمولی و رعیت، فاقد حمام بود و فقط معدودی از رجال متمول و اشراف، در خانه‌های خود حمام اختصاصی داشتند. سبک زندگی نیز البته طوری بود که کمتر خانواده‌ای بیش از یک بار در هفته، و در برخی از خانه‌ها یک تا دو ماه می‌توانستند به حمام بروند. سدیدالسلطنه کبابی در یکی از یادداشت‌های خود درباره تعداد حمام‌های عمومی بوشهر و صاحبان آن‌ها نوشته: «در بوشهر، هشت حمام موجود است؛ حمام طلا، حمام نمکی، حمام خان، حمام حاج محمدجعفر صفر، حمام قنبری، حمام شیخ حسن، حمام دلگشا. آب تمام این حمام‌ها شور و از حیث و طرز و شکل و

عدم نظافت، باعث شیوع امراض ساریه، و در کلیه بی ترتیبی مانند اشتراک صحیح و مریض در یک خزینه و اساعمال لنگ و قطیفه های مشترک، و چرکین بودن آب خزانه، مثل سایر حمام های ایران است. سوخت آن ها سرگین و سایر مواد خبیثه است که نه تنها باعث عفونت حمام ها، بلکه اطراف مجاوره آن ها شده است؛ به علاوه، بودن بیت الخلوه و نوره کش خانه قریب فضای گرمخانه، موجب مزید عفونت فضا و حمام ها می باشد» (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱: ۲۵).

۳- مدرسه مختلط

نکته جالب در یادداشت های روزانه سدیدالسلطنه این است که بندر بوشهر تقریباً همزمان با انقلاب مشروطه تا جنگ جهانی اول، دارای مدرسه ای مختلط برای دختران و پسران ارامنه و مسیحیان ساکن این شهر بود. وی در باب تاریخ تأسیس، دخل و خرج مدرسه و حقوق معلمان و دیگر هزینه های آن می نویسد: «مدرسه ارامنه در سنه ۱۹۰۷ تأسیس شده و در آن زبان انگلیسی و فارسی تدریس می شود. ماهانه انگلیسی چهار روپیه است. فقرای ارامنه مجاناً قبول می شوند. ماهانه تقریباً ماهی چهل روپیه می شود، و بقیه صرف مصارف مدرسه ارامنه که مؤسس خان، بین ارامنه و غیره توزیع و جمع می نماید. مدرسه هزار و پانصد تومان وجه ذخیره دارد... با مؤسس خان از مدرسه ارامنه بازدید کرده، بیشتر اطفال دختر بودند و مدرسه و شاگردان در نهایت نظافت. خواهر میرزا احمدخان، معلمه فارسی و خواهر زن دکتور تُرن (پزشک قرنینه بوشهر) معلمه انگلیسی بودند» (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱: ۱۰۱-۱۰۵).

۴- بزرگان و معاریف

سدیدالسلطنه وقتی که سفرش را در ربیع الاول ۱۳۱۴ / آگوست ۱۸۹۶ از بوشهر شروع می کند، فصلی را « در احوال اعیان و معاریف و بزرگان بوشهر و دوستان» اختصاص داده است. بنا به قول خودش، وقتی سفرش به مشهد را اعلان و آشکار می کند، به صورت انفرادی و یا گروهی افرادی به دیدار او می آمدند و او به معرفی و توصیف آنها پرداخته است. کسانی که معمولاً از طبقات بالای جامعه آن روز هستند. تجار، روحانیون، کارگزاران حکومتی، بزرگان سادات، منشی های کنسولگری ها... این توصیف ها اطلاعات بسیار خوبی راجع به ترکیب جمعیتی شهر، موضوع مهاجرت، نحله های فکری، (اخباری و اصولی) مذهب (شیعه یا سنی) و نیز محل تحصیل و شرح مراتب استادی طلاب و علما و نیز وضعیت کنونی آنها به دست می دهد. با تحلیل این داده ها می توان اطلاعات « شخصیت شناسی» بسیاری به دست آورد. یک نمونه در همان صفحه اول سفرنامه: «حاج سید محمد علی از اهل بهبهان و از زمره علما و سالهاست از نجف اشرف به بوشهر آمده و در مسجد ملک التجار نماز گذارد. صبیبه حاج سید سلیمان صدرالاسلام را در خانه دارد. خانه مسکونه شان موهوبه ملک التجار است» (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲، ۱) یک مورد دیگر راجع به تغییر مذهب در بوشهر «شیخ ناصرخان و عالیه شان در طریقه اهل سنت و جماعت بوده اند و دیرگاهی نشود که به طریقه تشیع در آمده اند» (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲، ۲) یا در مورد ریشه یابی نحله فکری افراد می خوانیم: «حاج شیخ احمد از علما و در طریقه اخباریین و بسیار پیرو صادق و عموی حاج شیخ محمد امام جمعه و داماد مرحوم شیخ خلف و از خانواد آل عصفور باشند و سه برادرند...»

(سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲، ۸) شاید یکی از جالب‌ترین توصیف‌ها از احمدخان دریابگی حاکم بوشهر باشد. «اصلیت ایشان از آذربایجان، لیکن ساکن دارالخلافه. سنشان از اربعین تجاوز کند. معروف به غلامبارگی هستند در سال ۱۳۰۱ق/ ۱۸۸۳م به بوشهر آمده است. تهی دست بود مال و مکت ایشان زیاده و ماهی بیشتر از دویست تومان مخارجش بود. یک دستگاه خانه در خارج شهر بنا کرده اند.» (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲، ۱۲) بعد از علما و کارگزاران، شخصیت‌هایی مثل حافظ‌الصحه بوشهر، منشی بانک شاهنشاهی، منشی کنسولگری فرانسه، رئیس پست، بعضی از تجار سرشناس و خلاصه به شکلی کلیه نخبگان بوشهر را به توصیف نشسته است. چنان که می‌دانیم تاریخ را مردان روزگار می‌سازند و این کتاب توجهش را به شناسایی و پرداختن به این مردان معطوف کرده است.

مسائل سیاسی و استعماری انگلیسی‌ها در نظر سدیدالسلطنه

در بیشتر نوشته‌های سدید به اهمیت حضور بیگانگان در خلیج فارس و اهداف استعماری آنها هم بصورت مستقیم و هم بصورت غیرمستقیم اشاره شده است. حضور انگلیسی‌ها در خلیج فارس که از زمان شاه عباس صفوی آغاز و تا روزگار او همچنان ادامه داشته است، این حضور که در ابتدا برای بهره‌برداری و گرفتن امتیاز و انحصارات تجاری بود از زمان کشف نفت در جنوب ایران پررنگ‌تر شد و به همین دلیل در آثار سدید نیز بشکل ویژه‌ای خودنمایی می‌کند.

حضور کمپانی‌های نفت انگلیس در خلیج فارس و برخورد آنها با مردم بومی منطقه، بویژه بختیاری‌ها و لرها بر سر مالکیت و اجاره‌اراضی در مسجد سلیمان (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۷۱: ۱۶۴-۱۵۷)، همچنین ضعف نیروی دریایی ایران در مقابل دولت عثمانی و حکومت‌های استعماری، عواملی بودند که سدیدالسلطنه را بر آن داشت که بدلیل اهمیت و تأثیر موضوع اخیر در حیات سیاسی - اقتصادی خلیج فارس و نیز دل‌نگرانی‌های او از این ماجرا، دست به تحلیل علمی و واگشایی موضوع و کشف علل این روابط بزند و به تاریخ نگاری صرف اتکا نکند.

او علت افزایش توجه اروپایی‌ها به نفت را اهمیت این انرژی ارزان قیمت در آن دوره، برای به گردش درآوردن ماشین‌های صنعتی اروپا دانسته و افزایش نفوذ و برتری‌جویی آنها را در خلیج فارس با حضور انگلیسی‌ها در کانال سوئز مقایسه کرده است. او همچنین به نفوذ و دست‌اندازی بریتانیا به بندر گوادر که مشغول تهیه نقشه و تعیین حدود مرزی بلوچستان برای جدا کردن این بندر از خاک ایران و این موضوع که دولت مرکزی ایران، حتی حق الزحمه نقشه‌بردار ایرانی را نیز نداده و آن را بی‌اهمیت تلقی کرده تا اینکه پدر سدید از جیب خود مقداری از هزینه نقشه‌برداری را پرداخته است، نیز اشاره و این سیاست را مورد سرزنش قرار می‌دهد (همان: ۳۰۱).

عمان در صد سال پیش همانگونه که احمد اقتداری و سایر پژوهندگان خلیج فارس بارها بدان اشاره کرده‌اند، سند مهمی در مورد مالکیت ایران بر سه جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی و شهادت نامه شیوخ این جزیره مبنی بر اینکه هیچ‌گونه حاکمیتی بر این جزایر نداشته و آنها خود را تابع حکومت ایران می‌دانند، ارائه شده است. بدلیل اهمیت مسئله، سدید شهادت نامه را در کتاب مجموعه الظرایف با تأکید بر اینکه شهادت نامه را پدر او از مشایخ اعراب گرفته، آورده

است. در این گونه موارد، سدید سطحی نگر نیست؛ شعار نمی‌دهد؛ بلکه شعور قلم را نگه داشته و موشکافانه و بصورت علمی واقعیت‌ها را بررسی می‌کند. می‌دانیم که تاریخ نگاران مدرن در نگارش تاریخ‌های سیاسی و اجتماعی سه کار انجام می‌دهند یا دست کم از آنان انتظار می‌رود که به پرسش‌هایی پاسخ دهند که با این سه کار در ارتباط هستند (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۶):

۱- برخی وقایعی را که روی داده اند، باز می‌گویند و چگونگی آن وقایع را تشریح می‌کنند؛

۲- برخی می‌کوشند که علت وقایع را توضیح دهند؛

۳- در مواردی هم تلاش می‌کنند تا روشن کنند که آن وقایع به چه نتایجی منجر شده اند.

سدید نیز همان گونه که از او انتظار می‌رود به هر سه پرسش پاسخ می‌دهد. وی دلیل مطرح شدن این ادعا - مالکیت سه جزیره مزبور در عصر قاجار - را افزایش نفوذ و قدرت انگلستان در مستعمره اش، هند می‌داند تا خلیج فارس و این جزایر گمنام را در مسیر تجارت انگلستان قرار داده و عامل واگذاری قراردادهای متعدد به انگلستان شود. وی یکی از دلایل دیگر آن را ضعف حاکمیت مرکزی حکام قاجار در اواسط حکومت قاجار می‌داند که زمینه حضور بیگانگان را در خلیج فارس فراهم کردند.

کبابی در کشاکش تحولات اجتماعی روزگار خود در برخورد با سویه خشن و سلطه طلبانه بورژوازی غرب و مشاهده مداخله قدرت‌های استعماری در ایران که در جنوب و خلیج فارس عینی‌تر و گسترده‌تر بود، با توجه به گرایش‌های نوجویانه و احساسات میهن‌دو ستانه و شعور و آگاهی ملی، دخالت بیگانگان، بویژه انگلستان را بر نمی‌تابد و به آن واکنش نشان می‌دهد. وی همچنین بی‌تفاوتی حکومت مرکزی ایران را نیز در مورد مسائل مهم و حیاتی خلیج فارس، به باد انتقاد می‌گیرد. اما صرف نظر از این ملاحظات تاریخی - اجتماعی به گمان ما ارزش واقعی آثار سدید در ذهن کجی‌های اداری - سیاسی ظاهراً بی‌طرفانه بی‌است که در ناخودآگاه این نوشته‌ها نهفته است. او که دولتمردی قاجاری است از نزدیک شاهد مداخلات خارجی‌ها و بی‌خیالی و بی‌عزسگی دولت مرکزی و بر بادرفتن مال و عرض و آبروی مملکت بوده، هر جا که فرصت یافته و توانسته است، عنان قلم را رها کرده و به هر مناسبت، نیشی زده است (روح بخشیان، ۱۳۹۲: ۳۲۳).

گزارش‌های نماینده (بالیوز) بریتانیا در بوشهر، بخوبی بیانگر این موضوع است و نشان می‌دهد که آنها از صراحت گفتار و نوشته‌های سدید بیمناک بوده و جاسوسان آنها اعمال و رفتار سدید را تحت نظر گرفته اند؛ بعنوان نمونه کاکس نماینده بریتانیا در گزارش‌های خود می‌نویسد:

موسیو بلایف، نایب کنسول روسیه در روز چهارم اوت وارد بوشهر گردید... چنین می‌نماید که با ورود به بوشهر، نخستین اقدام او دعوت از هوادار قدیمی اش، سدیدالسلطنه، نماینده کنسولی روسیه در بندرعباس به بوشهر باشد... اکنون اخباری دریافت گردیده دال بر اینکه قرار است در کمیسیون ترکیه، ایران بعنوان نایب کمیسیون روسیه منظور گردد (کاکس، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

اگرچه سدید در تحلیل و افشای سیاست‌های استعماری انگلیس، نگاهی جهان شمول داشته و نیاز به سوخت، بازارهای جدید و اعمال انگلیسی‌ها را در هند، مصر و خلیج فارس از نظر می‌گذراند؛ اما نسبت به موضوعات جزئی نیز بی تفاوت نیست؛ بعنوان نمونه، دخالت انگلیسی‌ها را در اداره شهرداری بندرعباس که از نظر روح بخشیان نیز پنهان نمانده این گونه به باد انتقاد می‌گیرد:

اواخر سلطنت احمد شاه، شجاع نظام، نایب حکومت بندرعباس، طبق دستور کونسولگری انگلیس، اداره بلدیة بی در بندرعباس تأسیس شد و تعرفه ذیل برقرار و نام عوارض شهری به موقع اجرا گذاشته شد. حقیقتاً اداره بلدیة بی که تحت نفوذ اقتدار خارجه تأسیس نموده، به هیچ وجه حکومت و ملت قدرتی در مداخله به امور آن نداشته، عواید آن بعد از مصارف توسط کونسولگری انگلیس در بانک ودیعه گزارده، رئیس بلدیة مطیع کنسولخانه بوده... (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۴۲: ۵۴۱).

در بخش اول مقاله که به مسائل اجتماعی بوشهر و خلیج فارس پرداخته شده است، سدیدالسلطنه نگاه صرفاً توصیفی داشته است و از هرگونه ارزش گذاری و نقد سنت اجتناب می‌کند. او با نگاهی خشک و بی طرفانه تلاش کرده تا در حد ظرفیت فکری خود و زمانه‌اش، صرفاً دست به توصیف زده و از داوری و ارزش گذاری بگریزد. در بعضی مواقع نیز توصیف‌های او همدلانه است و می‌توان گفت روش سدیدالسلطنه در این گزارش‌ها «مشاهده مشارکتی» می‌باشد.

در بخش دوم مقاله که به مسائل سیاسی پرداخته می‌شود، نگاه تجدد گرایانه سدیدالسلطنه به خوبی نمایان است. جنبش اصلاح طلبانه مشروطیت با تمام ناسازواری خود، کم‌کم تأثیر مهمی را بر فرهنگ و جهان بینی جامعه ایرانی برجای نهاد که بازتاب آن را در ایدئولوژی نخبگان مشروطه به روشنی می‌توان مشاهده کرد. سدیدالسلطنه کبابی، بدون تردید یکی از این نخبگان انگشت شمار ایران است که با آگاهی و هوشیاری مجموعه این اندیشه‌ها را از صافی درونی ذهن خود عبور داده و آنها را با شرایط بومی منطبق کرده است.

- احمدی، بابک، (۱۳۸۶)، رساله تاریخ، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- روح بخشیان، ع، (۱۳۹۲)، ادعانامه‌یی برای ثبت در تاریخ، مجموعه مقالات مروارید خلیج فارس در بزرگداشت احکد اقتداری، به اهتمام میثم کریمی، تهران: نسخه.
- سدیدالسلطنه، (۱۳۴۲)، بندر عباس و خلیج فارس، تصحیح، مقدمه و تحشیه، احمد اقتداری، چاپ اول، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- ، (۱۳۶۲)، سفرنامه سدیدالسلطنه؛ التدقیق فی سیر الطریق، به تصحیح و تحشیه احمد اقتداری. تهران: انتشارات بهنشر. چاپ دوم.
- ، (۱۳۶۳)، اعلام الناس فی احوال بندرعباس، تصحیح و مقدمه: احمد اقتداری، به کوشش: علی ستایش. تهران: جهان کتاب.
- ، (۱۳۷۱)، سرزمین های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش، استخراج و تنظیم و تحشیه و تعلیقات، احمد اقتداری، تهران: جهان معاصر.
- کاکس، سرپرسی، (۱۳۸۶)، مشروطیت جنوب ایران به گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر، ترجمه حسن زنگنه، بوشهر: بنیاد ایرانشناسی.